

# مهارت، نقطهٔ تبدیلی

✿ | [tvoccd88@roshdmag.ir](mailto:tvoccd88@roshdmag.ir) | |

دکارت، اگر یک تکیه‌گاه مطمئن به من بدهید، با آن زمین را جابه‌جا می‌کنم!

همبستگی خانوادگی و اجتماعی در پی خواهد داشت. از نقاط ضعف عمدهٔ مدارس فعلی ما که به شکل سنتی سازماندهی شده‌اند و دانش و مهارت را همزمان در اختیار هنرجویان قرار می‌دهند و فرصتی برای افزایش مهارت جامعه فراهم می‌آورند، این است که بین مهارت‌های آموزش داده شده در مدرسه و مهارت مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی فاصله انداخته‌اند. در مدارس ما جایگاه تکیه‌گاه دوم (گرانیکه اهرم) که عمل به دانسته‌هاست غالباً ناشناخته و یا متزلزل است. تجهیزات صنعتی نصب شده، شبیه‌سازی مناسبی از محیط کار نیست و اگر هست آموزشی نیست. ما در محیط کلاس و کارگاه شاهد مبلمان آموزشی مناسب نیستیم. لذا مربی و مسئول کار، چون برای اندازه‌گیری عملکرد هنرجو ابزار مناسب ندارد، دانش نظری او را پایهٔ توان علمی‌اش قرار می‌دهد و این جاست که فنی‌و حرفه‌ای ما الگویی نظری می‌گیرد و فراموش می‌شود که کار به عمل برآید و نه به سخن!

نقطهٔ حساس دربارهٔ حرفه‌آموزی بازار کار است که مستقیماً از کمبودهای مهارتی ناشی می‌شود. لذا انتظار می‌رود برنامه‌ریزی رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای به گونه‌ای منعطف باشد که بتواند به‌طور مؤثر منافع متقاضیان (جوانان، بیکاران) را دنبال نماید. به دلیل بی‌توجهی به

بیست و هشتم ماه جولای، مطابق ششم مرداد هر سال، روز ملی مهارت یادآور پرداختن به موضوعی است که نشر و ترویج مباحث نظری را بدون کسب عمل و کاربردی نمودن آنها تا سطح کسب مهارت بی‌ارزش می‌داند.

حاصل مأموریت آموزشی فنی‌و حرفه‌ای در ابعاد فردی و اجتماعی در بلندمدت به دست می‌آید. این نظام باید ضمن تأمین مهارت‌های پایه و تخصصی، افراد را برای اشتغال، راه‌اندازی کسب و کار مستقل و انجام کار مولد آماده و پذیرای فناوری‌های جدید نماید. این نظام تکیه‌گاهی در نظر و تئوری و تکیه‌گاهی در کاربرد و عمل دارد و بدون این دو تکیه‌گاه، به هدف‌غایی خود، که شامل اهداف اقتصادی و بهبود بهره‌وری شخصی و اجتماعی است نخواهد رسید.

مهارت‌آموزی، ابزاری برای تغییرات ساختاری در تمام سطوح مهندسی و کارگری است. هم‌چنین برای کسب درآمد و برقراری توزیع درآمد عادلانه‌تر در میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه یک فرصت است.

مهارت‌آموزی در سطح کلان، تقویت توسعه اقتصادی، حمایت از صنایع، گسترش صادرات و جذب سرمایه‌ها را به دنبال دارد. هم‌چنین علاوه بر تأثیرات اقتصادی، تأثیرات دیگری چون کاهش جرم، بهبود سطح بهداشت و

# مل فکر به ارزش افزوده

بیشتر و توسعه‌ی ظرفیت صادراتی بالاتر؛  
■ کاهش مستمر نرخ جرایم، بهبود ارتباطات اجتماعی،  
و ارتقاء کیفیت زندگی بهداشتی و تأمین سلامت  
خانواده‌ها؛  
■ تحقق روزافزون عدالت توزیع درآمد و افزایش درآمد  
سرانه و ملی.

## چشم‌انداز

عمده‌ترین محرک‌های تغییر تقاضا برای آموزش  
فنی و حرفه‌ای در چند سال آینده، فعالیت اقتصادی یا  
افزایش نرخ رشد جمعیت نخواهد بود، بلکه گسترش (و  
تسری) دامنه شمول استانداردهای شایستگی در برنامه  
درسی ملی به صنایع و نیاز به نیروی کار چند مهارته و در  
نتیجه علاقه‌مندی فرد به یادگیری مداوم خواهد بود.  
اولویت اصلی نظام تربیت فنی و حرفه‌ای پاسخ  
دادن به کمبود مهارت‌هاست. وقتی دانش‌آموختگان  
(فارغ‌التحصیلان) نظام فعلی دارای آن مهارتی نیستند که  
بیشترین بهره‌وری را در کار خود ایجاد نمایند و ارزش  
افزوده‌ای به وجود آورند، کدام برنامه نقص داشته است؟

سردبیر

این موضوع که، اولاً کسب مهارت در جامعه تولید ارزش  
افزوده می‌نماید؛ و ثانیاً برای آموزش این فرایند نیازمند  
به‌روزرسانی تجهیزاتی است که هزینه‌های بالایی را طلب  
می‌نماید. ثالثاً سپردن این موضوع به بخش خصوصی عاملی  
شده است تا رشته‌های معینی در فنی و حرفه‌ای شکل  
گیرند (و متقاضی فراوان داشته باشد که لزوماً نیاز جامعه  
و بازار کار نیست)، متأسفانه شاهد بروز نابه‌سامانی‌هایی  
در خصوص مهارت‌آموزی هستیم.

اگر مهارت را نقطه تبدیل فکر به ارزش افزوده بدانیم  
باید در درجه اول این موضوع در برنامه‌ریزی‌های آموزشی  
و درسی تجلی کند.

کسب مهارت، علاوه بر سودرسانی فردی، منافع  
اجتماعی نیز در بردارد و چنانچه آن منافع حاصل نشود  
کارآمدی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زیر سؤال می‌رود، از  
این‌رو کارآمدی نظام آموزشی یاد شده به شایستگی‌های  
کسب‌شده‌ی خروجی‌هایی بستگی دارد که نتایج زیر را  
ببار آورند:

- افزایش اشتغال، بهبود درآمد و بهره‌وری ملی؛
- فراوانی کارگران ماهر در سطح جامعه و جذب  
سرمایه‌گذاری؛
- هدایت تولید ملی به سمت محصول با ارزش افزوده